

روابط جمهوری آذربایجان با ایران در گذر از مرحله «احساسی» به مرحله «ادراکی»

در یک سال گذشته نشانه هایی در روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان به چشم می خورد که بیانگر شروع حرکتی برای گذر روابط ایران و آذربایجان از مرحله «احساسی» به مرحله «ادراکی» می باشد

خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان

«احساس بدبینی شدید» حالتی است که شخص در آن حالت احساس می کند که همه کس و حتی نزدیکانش علیه وی دسیسه و توطئه کرده و احیاناً قصد از بین بردن او را دارند و چه بسا این تفکر و احساس باعث قتل هایی نیز می گردد. رابطه این حالت با «قدرت» جالب تر است و در طول تاریخ؛ ما شاهد قتل های سیاسی به خاطر آن بوده ایم: نادر شاه فرزند خود رضا قلی را به خاطر سوءظن کور نمود ولی بعداً وقتی بی گناهی فرزندش ثابت گردید، به شدت پشیمان شد و خلق وی تغییر کرد.

چنانچه این حالت ذهنی را از «جزء» به «کل» آورده و آن را در روابط بین الملل بررسی نمائیم، پیامد وحشتناک آن را شاهد خواهیم بود. این همان نظریه ای است که از آن تحت عنوان «توهم توطئه» یاد می شود. در این حالت یک دولت فکر می کند که دولت یا دولت هایی مشغول توطئه علیه او بوده و احیاناً قصد حمله یا براندازی حکومت او را دارند و چه بسا این توهم و دشمن انگاری منجر به جنگ میان دول نیز گردیده است. همانگونه که می دانیم یکی از مهمترین دلایل شروع جنگ جهانی اول، رقابت میان آلمان و انگلیس و نیز سوءظن آنها به یکدیگر بود که صدمات و خسارتهای آن تا مدتها ادامه داشته است.

در سیاست بین الملل، معمولاً کشورهای بی بحران های سیاسی و اجتماعی را پشت سر می گذارند و یا پس از سالها زندگی تحت استیلاء بیگانگان، به استقلال می رسند بیش از دیگر کشورها دچار بدبینی نسبت به کشورهای دیگر می شوند و چه بسا همین حالت آنان را از امتیازات فراوان همگرایی با واحدهای سیاسی دیگر محروم می نماید.

بدیهی است، حالت بدبینی که از مولفه های اصلی مکتب رئالیسم نیز محسوب می گردد، درجات مختلفی دارد که برخورداری دولتها از سطح معینی از آن لازمه کشور داری می باشد، اما عبور دولتی از آن سطح معمول باعث ایجاد برخی مشکلات می شود. البته بدبینی دولتی به دولت دیگر همیشه درون زا نبوده و ممکن است توسط کشور یا قدرتهای دیگری به یک واحد سیاسی تازه استقلال یافته تحمیل شود، این حالت همیشه به بروز جنگ و درگیری منجر نگردیده و ممکن است به جلوگیری از گسترش روابط دو دولت منتهی گردد که به صورت طبیعی چنانچه این اتفاق بین دو کشور همسایه اتفاق بیافتد لطامت و خسارات آن مخصوصاً برای طرف کوچکتر بیشتر خواهد بود.

بررسی تاریخچه روابط جمهوری آذربایجان با ایران به خوبی مبین مسائل پیش گفته می باشد. جمهوری آذربایجان که در سال 1991 به استقلال رسید، در دوران حاکمیت جبهه خلق بنا به دلایل مختلفی دچار بدبینی نسبت به ایران شد که این عوامل را می توان به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم نمود. در بخش داخلی؛ سران جبهه خلق هم به این دلیل که در میدان نبرد با ارامنه اشغالگر توفیقی به دست نمی آوردند و دنبال عامل خارجی برای توجیه شکستهای خود بودند و هم به دلیل پاره ای باورهای افراط گرایانه قومی، سعی نمودند سیاست بدبین نمودن مردم آذربایجان نسبت به ایران را در پیش بگیرند؛ در بخش دلایل خارجی نیز، دشمنی برخی قدرتها مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی و نیز رقابت برخی کشورها مانند ترکیه با انقلاب اسلامی ایران باعث تبلیغات ضد ایرانی آنها در بین سیاستمداران و مردم آذربایجان گردید که مجموع این عوامل در نهایت به سردی روابط دو کشور ایران و آذربایجان منجر گردید، به عبارت دیگر این مسائل سبب گردید نطفه روابط فیما بین دو کشور همسایه با بدبینی منعقد شود که همین موضوع روابط تهران باکو را به روابطی پر فراز و نشیب تبدیل نمود که مبنای آن نه «درک صحیح» دو طرف از یکدیگر بلکه «احساس بدبینی» جمهوری آذربایجان از ایران و متقابلاً ناخرسندی ایران از برخی اقدامات جمهوری آذربایجان بوده است.

پس از روی کار آمدن مرحوم حیدر علی اف در جمهوری آذربایجان، تلاشهایی از سوی وی و مقامات ایرانی برای جایگزینی «اعتماد متقابل» به جای «بدبینی و ناخرسندی» شروع شد که نتایج مثبتی در پی داشت و روابط دو کشور را در مسیر قابل قبولی قرار داد. پس از فوت رئیس جمهور فقید آذربایجان و روی کار آمدن آقای الهام علی اف، دشمنان ایران اسلامی به ویژه صهیونیستها از زمینه های ایجاد شده قبلی و نیز از شرایط خاص سیاسی، اجتماعی آذربایجان سوء استفاده نموده و تلاش کردند سیاست بدبین سازی دولت و مردم جمهوری آذربایجان نسبت به ایران را ادامه دهند که در این مسیر از هیچ تلاشی مانند اقدامات رسانه ای، سیاسی، فرهنگی و... دریغ ننمودند و متأسفانه تا حدودی نیز به موفقیتهایی دست یافتند. اقداماتی مانند توهین به مقدسات اسلامی و یا برخی تحریکات قومی ضد ایرانی در برخی رسانه ها و محافل آذری که با کارگردانی صهیونیستها و غالباً بر خلاف نظر دولتمردان جمهوری آذربایجان صورت می گیرد به صورت طبیعی اسباب اعتراض و ناخرسندی محافل دینی یا سیاسی ایران را سبب می شود که همین موضوع زمینه ای برای عدم ارتقاء روابط فیما بین تهران- باکو در عرصه های مختلف می شود که بی شک ضررهای ناشی از آن بیش از هرکس متوجه مردم مسلمان جمهوری آذربایجان و ایران می باشد.

خوشبختانه در یک سال گذشته نشانه هایی در روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان به چشم می خورد که بیانگر شروع حرکتی برای گذر روابط ایران و آذربایجان از مرحله «احساسی» به مرحله «ادراکی» می باشد. افزایش سفرهای متقابل مقامات بلندپایه دو کشور از جمله سفر مشاور امنیت ملی آذربایجان، رئیس اداره دولتی روحانیون قفقاز و رئیس مجلس آذربایجان طی چند ماه اخیر به تهران و استقبال گرم مقامات ایرانی از هیئت های آذری، تعطیلی برخی مراکز قوم گرایانه ضدایرانی در باکو، عدم اجازه مقامات آذری به ورود برخی چهره های ضد ایرانی به باکو، عدم تکرار اقدامات ضد اسلامی سالهای گذشته که به صورت طبیعی رضایت مراجع عظام تقلید و علمای ایرانی را در پی داشته، افزایش فضای دوستی در رسانه های ایران و جمهوری آذربایجان، سفر هیئت فعالان آزادی قره باغ جمهوری آذربایجان به تبریز و استقبال فوق العاده گرم فعالان فرهنگی، دانشگاهی و ائمه جمعه ایران از آنان، برگزاری همایش بین المللی قره باغ در آینده نزدیک در ایران و نمونه هایی از این قبیل جلگی شواهد قابل توجهی برای عزم مقامات عالی، رسانه ها و نخبگان دانشگاهی و فرهنگی دو کشور برای تحکیم روابط و گذر از مرحله «احساسی» به «ادراکی» می باشند.

روی کار آمدن دولت جدید در ایران که الویت سیاست خارجی خود را بر تحکیم روابط با همسایگان بنا نهاده و نیز پیام تبریک رئیس جمهور آذربایجان به دکتر روحانی که در آن از تداوم تلاشها برای گسترش همکاریهای موفق سخن به میان آمده و همچنین استقبال رئیس جمهور ایران از گسترش و تحکیم مناسبات تهران و باکو که در پاسخ به پیام تبریک الهام علی اف مطرح شده در مجموع شرایط مساعدی برای ورود روابط ایران و جمهوری آذربایجان به مرحله ای نوین ایجاد نموده است که در نخستین گام این مرحله؛ سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در نخستین نشست هفتگی خود ابراز امیدواری نموده است در دوره جدید مبادلات تجاری دو کشور افزایش یابد.

بی شک تداوم این روند مستلزم تعمیق شناخت دو کشور از یکدیگر، تشخیص و برآورد نمودن مطالبات برحق و متقابل، عدم تاثیر پذیری از سیاست های قدرتهای ثالث، احترام به تاریخ، فرهنگ و مذهب مشترک دو ملت و بهره برداری از این اشتراکات در مسیر تحکیم روابط می باشد که طبیعی است در این صورت دولت جمهوری آذربایجان که متأسفانه بیست درصد خاکش در اشغال می باشد می تواند بیش از پیش از ظرفیتهای همسایگی با کشور قدرتمند ایران و نیز پتانسیلهای ارزشمند جهان اسلام در مسیر آزاد سازی اراضی خود و نیز تسریع در روند توسعه خویش استفاده نماید.

فرجام سخن اینکه ، تداوم روابط فیما بین ایران و آذربایجان بر مبنای «درک صحیح و نه احساس» ، حل اختلافات یا تفاوت سلیقه ها بین دو کشور را کم هزینه تر و سهل تر می نماید. نمونه بارز این موضوع در شرایط کنونی اختلاف محافل سیاسی و فرهنگی ایران و آذربایجان با یکدیگر در خصوص تغییرات ایجاد شده در مقبره نظامی گنجوی می باشد که بر خلاف گذشته که معمولا اختلافاتی مانند آن در فضایی هیجانی و توأم با دشمنی و همراه با بداخلاقی های رسانه ای و... مطرح می شد، در فضایی آرام و منطقی در حال پیگیری است که البته این گونه رفتار با پشتوانه مذهبی و سابقه تاریخی و فرهنگی مردم دو کشور ایران و آذربایجان سازگار تر است.